

نامۀ ویژه
۸



هفتمین
جشنواره
بین المللی
نمایش
عروسکی
تهران

۳۱-۲۴ شهریور ۷۷



TEHRAN, SEPTEMBER 15-22, 98

THE 7TH INTERNATIONAL PUPPET THEATRE FESTIVAL

پیام بوریس گلدفسکی

مدیر موزه ابراتسوف

دوستان عزیزم،

سلام و مراتب احترام ما را از مسکو، از طرف مردم روسیه و تئاتر عروسکی ملی که به نام سرگئی ابراتسوف نام گذاری شده است بپذیرید.

جشنواره شما اکنون در جهان بسیار مشهور است. بخش کوچکی از مجموعه عروسکهایمان یعنی ۱۲۲ عدد از بهترین عروسکهای سرگئی ابراتسوف در موزه ابراتسوف را با خود برای شما آورده‌ایم. از شرکت در این جشنواره و از دیدار دوستان ایرانی و دوستان کشورهای دیگر بسیار خوشنودیم. ما معتقدیم که دیدار سالانه ما در این جشنواره در آینده برای دوستی مان و برای صلح بین تولیدکنندگان تئاتر عروسکی، هنرمندان و تمامی مردم دنیا مفید خواهد بود. جشنواره بین‌المللی تهران اکنون وجهه‌ای جهانی کسب کرده است و به همین دلیل است که ما در اینجا حضور یافته‌ایم. ما برای این جشنواره علاوه بر نمایشگاه عروسکی، پخش فیلمهای ویدئویی از اجراهای مشهور و کنسرت‌های زیبای ویدئویی آماده کرده‌ایم. برخی از این اجراها متعلق به ۵۲ سال پیش هستند و ما امروز اینها را در مسکو و کشورهای دیگر اجرا می‌کنیم. اجرای دیگر ویدئویی ما "علاءالدین و چراغ جادو" خواهد بود. امیدواریم که در آینده نیز، تئاتر ما موقعیت شرکت در این جشنواره را با بهترین اجراهایش داشته باشد. بسیار خوشوقت خواهیم شد که با دوستانمان در تهران در هر زمینه بخصوص ایجاد موزه عروسکی همکاری کنیم زیرا حالا دیگر تهران یک مرکز بین‌المللی برای نمایش عروسکی است و ما برنامه‌های جالبی برای این همکاری داریم.

همچنین امید داریم که بازیگران ایرانی به مسکو بیایند و برای مردم روسیه برنامه اجرا کنند. من معتقدم این همکاری و آمد و شد برای هنرمندان، کارگردانان و همه مردم، کوچک و بزرگ، مفید خواهد بود.

من در این جشنواره افتخار دیدار با همه شرکت‌کنندگان در نمایشگاهمان را خواهم داشت و از اینکه توانستم از کشور زیبای شما دیدار کنم بسیار خوشحالم.



به یمن عدد هفت

ویژه نامه هفتمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران ۲۴ تا ۳۱ شهریور ۱۳۷۷

عدد هفت چنان با داستانها و افسانه‌های ایرانی عجین شده که کمتر افسانه‌ای وجود دارد که در جایی از آن به عدد هفت بر نخوریم و یا لااقل داستان با هفت شبانروز جشن و پایکوبی به پایان نرسد. معمولاً قهرمان داستانها هفت خواهر یا برادر دارد، یا همچون سندباد هفت سفر برای او پیش می‌آید داستانهای شاهنامه این جاودانه در ادبیات ایران زمین هم خالی از عدد هفت نیستند فردوسی برای آنکه قدرت و حقانیت قهرمانانش را نشان دهد آنها را از هفت خوان یا هفت منزلگاه خطر می‌گذراند و ...

در میان ادیان مختلف نیز عدد هفت جایگاه ویژه‌ای دارد در تورات عدد هفت چندین بار به عنوان عدد تام و تمام کامل آمده است در آئین زردشتی هفت امشاسپند یا هفت صفت یا هفت هرمز یا هفت فرشته مجموعه مقدس هفت عضوی را تشکیل می‌دهند ... در قرآن مجید هم عدد هفت چندین بار به مناسبت‌های مختلف آمده است: بارها در آیه‌های مختلف به هفت آسمان، هفت زمین اشاره شده و در سوره ۱۲ آیه‌های ۴۹-۴۳ خواب فرعون و تعبیر یوسف (ع) از هفت سال فراوانی و هفت سال قحطی یاد شده ... و ما، خانواده نمایشگران عروسکی ایران در پایان برگزاری هفتمین جشنواره‌ایم ... انگار که از شش منزل، شش وادی گذشته‌ایم و درس‌های پیدا و ناپیدای آن به ما آموخته است که برای عبور از خوان هفتم و ایمن گذشتن از آسیب و خطر باید دست در دست یکدیگر باشیم، همه خانواده نمایشگران عروسکی، با شکوه و شادمانی و صفای غیر قابل تصویری گرد آمدند تا نمایش عروسکی را، گستردگی و عمقش را، گوناگونی و تنوعش را، و راز و رمز جادویی‌اش را بر همگان آشکار کنند که کردند. و من این را از برکات و یمن عدد هفت می‌دانم و الا افراد بشر به تنهایی و بی‌مدد ذات باری و آغاز و پایانی که او نوشته است، قادر نبودند و نیستند که چنان موجی پدید آورند که صدها نمایشگر عروسکی بر سب سفره خوان گسترده اما درویشی جشنواره هفتم بنشینند و شب و روزشان را بهم بدوزند و عاشقانه‌ترین جشنواره را پدید آورند پس: پیشانی بر خاک و با نعره‌ای که از اعماق قلب می‌آید از حق می‌طلبیم که دوستی و مهربانی و صفا و همدلی و همراهی و عزت نفس و اقتدار خانواده‌ای که مفید است، مثمر است، و می‌تواند بیش از این مفید و مؤثر و چالاک و خلاق باشد دوام یابد.

هو حق یا علی مدد
بهر روز غریب‌پور

- ❁ به یمن عدد ۷
- ❁ نگاهی به نمایش منم آرش
- ❁ تازه‌های انتشارات نمایش
- ❁ گزارش سمینار
- ❁ سنجد خبرنگار و گزارشگر
- ❁ برای چیزی مهمتر
- ❁ افسانه
- ❁ مبارک و خواستگاری
- ❁ رویای شبانه
- ❁ تئاتر عروسکی پروانه‌ها
- ❁ یان کلاس
- ❁ عروسک ژاپنی بن‌راکو
- ❁ صدای عروسک
- ❁ تئاتر ژاپنی در جهان
- ❁ دسته گلی برای شهر بادکنک‌ها
- ❁ گفتگو با حسن طاهری‌زاده
- ❁ بخش انگلیسی

سرمدبیر: لاله تقیان
مدیر داخلی: صمد چینی‌فروشان
مدیر فنی و هنری: محمد وجدانی
صفحه‌آرایی: شهنواز یوسفی
عکس: اختر تاجیک، حجت ترصدی
حروفچینی: امیر شهیدی
لیتوگرافی: پام‌مهر



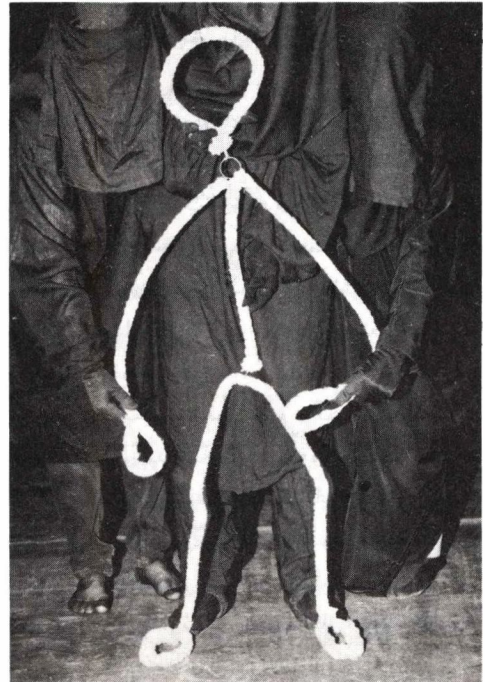
جایی در قلّه‌ها

یادداشتی بر نمایش «منم آرش»

امیرمنصور امیراحمدی

بزرگمرد حماسه و اسطوره ایران زمین به عمد به سراغ او نرفته‌اند. به هنگام تماشای نمایش «منم آرش»، بیننده نه تنها با پرداختی نو مواجه نمی‌شود که اصل اسطوره را نیز از یاد می‌برد. گاهی با «آرش»ی که سیاوش کسرایی خلق کرده است رو در رو است و گاه با «آرش» بیضایی و آنچه در این بین وجود خارجی ندارد «آرش» کارگردان یا حداقل «آرش» اسطوره‌ای است.

نوآوری در استفاده از ابزار نمایشی کاری در خور تحسین است ولی از یاد نبریم که همه چیز تکنیک و ابزار نو نیست. اندیشه نیز در نمایش جایی برای خود دارد، جایی در قلّه‌ها.



تغییر در برنامه‌ها

- «دلفین طلایی» (بلغارستان) به جای نمایش «مار سفید» (ترکمنستان) در کاخ موزه سعدآباد.
- «در ازای بدی خوبی کردن» (ترکمنستان) به جای «خیمه‌شب‌بازی اسطوره هند» در سالن اصلی تئاتر شهر.
- «زندگی نامه عقاب» (ایران) به جای نمایش قره‌گز (ترکیه) در سالن قشقایی.
- «رنگ، رنگ نقاشی» (همدان) اجرای فوق برنامه) در تالار سنگلج به روی صحنه رفت.

اسطوره‌های ایران باستان، هر کدام به نوعی بیانگر از خودگذشتگی پهلوانان و مردمان دلاور ایران زمین هستند و در این میان اسطوره آرش حال و هوایی دیگر دارد و حساسیتی خاص خود؛ به نحوی که در طول تاریخ، هنرمندان با تکیه بر اندیشه خود به جنبه‌های گوناگون شخصیت آرش یا موقعیت پیرامون او پرداخته‌اند و برخی نیز همچون فردوسی، این



تازه‌های انتشارات نمایش

تلاشی که به سرانجام رسید

● تئاتر معاصر اروپا (جلد اول). نوشته ناصر حسینی.

این کتاب مجموعه‌ای است از نوشته‌ها، ترجمه‌ها و یادداشت‌هایی درباره تئاتر معاصر اروپا که حاصل اقامت نویسنده در اروپا، و آشنایی نزدیک وی با گروه‌های مطرح نمایشی آن دیار است. این کتاب در دو جلد منتشر می‌شود. در جلد اول می‌خوانیم:

استره لر و تئاتر پیکولو، پیتربروک و تقدس در تئاتر، نمایش اورگاست، آریان منوشکین و تئاتر خورشید، یوجینو باربا و تئاتر اودین، سیمون مک‌بورنی و تئاتر همکوشی، تئاتر گروهی پارما و گروه هاینر مولر. بزودی جلد دوم این کتاب که حاوی مباحث دیگری از تئاتر معاصر اروپاست منتشر می‌شود.

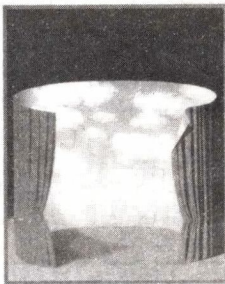
انتشارات نمایش همزمان با هفتمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران دو کتاب منتشر کرد.

● تئاتر عروسکی، تاریخچه عروسک‌ها و انواع تئاتر عروسکی. نوشته گونتر بیمر. ترجمه حسن پارسائی.

گونتر بیمر رئیس موزه تئاتر عروسکی مونیخ با ارائه و معرفی عروسک‌های گوناگون این موزه، اساس گفتار خود را در باب تاریخ و خصوصیات تئاتر عروسکی پی‌ریزی می‌کند. این کتاب شروع خوبی است برای شناخت تئاتر عروسکی و تصاویر زیبای آن به درک بهتر دنیای شگفت‌انگیز عروسک‌ها راه می‌دهد.

تئاتر معاصر اروپا

ناصر حسینی



جلد اول

تئاتر عروسکی

تاریخچه عروسک‌ها و انواع تئاتر عروسکی

نویسنده: گونتر بیمر
ترجمه: حسن پارسائی





ره‌آوردی از "وارنا" همدلی و هم‌زبانی

گزارش پنجمین و آخرین جلسه سمینار گفتگوی تمدن‌ها و نمایش

عروسکی (موزه هنرهای معاصر ۳۰/۶/۷۷)

همایون علی‌آبادی

یافتند و به پرسش‌های حاضران پاسخ دادند: «گروه مادر سال ۱۹۶۹ میلادی تأسیس شد و از سوی دولت حمایت می‌شود. نمایش عروسکی در ویتنام در قرن ۱۱ میلادی ابداع شده و ریشه‌هایش بیشتر، از ویتنام شمالی مایه و منشأ گرفته است. نمایش آبی ویتنام به اذعان همه اعضای "یونیم" در جهان، منحصر به فرد است. صحنه نمایش سطح آب است. بر خلاف عرف و روال معمول نمایشی، عروسک‌ها از یک نوع چوب خاص که فقط در ویتنام یافت می‌شود ساخته شده‌اند. هر عروسک به نی‌های "بامبو" وصل است و از آخرین اتصالاتی "بامبو" با عبور یک یا دو نخ - عروسک‌ها را می‌گردانند. موسیقی کار، بسیار سنتی و متقدم است و جزو لاینفک کار است. کارهای ما ریشه "روستایی" دارد. یک پرده حصیری سبز رنگ، عروسک‌ها را از عروسک‌گردان‌ها جدا می‌کند. اینان در پشت صحنه حصیری ایستاده‌اند، کفش‌های لاستیکی به پا دارند و از یک سو «نی» از سویی دیگر «عروسک» رابه حرکت درمی‌آورند. نمایش آبی عروسکی ویتنام به دلیل فرو رفتن عروسک‌گردان در آب فقط در فصل تابستان اجرا می‌گردد.

نخستین بخش از پنجمین روز سمینار به نشستی با نمایشگران بلغاری اختصاص داشت. این گروه که از شهر "وارنا"، سومین شهر بزرگ و پایتخت تابستانی بلغارستان در جشنواره عروسکی تهران شرکت کرده است «در سال ۱۹۷۲ تأسیس شده و یکی از پیش‌کسوت‌ترین و باسابقه‌ترین گروه‌های نمایش عروسکی در بلغارستان است» اعضا گروه با ذکر این مطلب می‌افزایند: یکی از ویژگی‌ها و تخصص‌های گروه وارنا اجراهای نمایش به زبان ملل کشورهای دیگر است که در آنها به اجرای نمایش می‌پردازد: در تهران به فارسی، در ژاپن به ژاپنی، در هند به زبان هندی / سانسکریت و در آتن به یونانی. «در بلغارستان تا قبل از فروپاشی نظام کهنه و مزم، اوضاع به گونه‌ای دیگر بود. پس از تغییر و تحولات اخیر قدر مسلم مقوله فرهنگ هم دستخوش دگرگونی شده و در حال حاضر تحولات بزرگی در عرصه‌های هنرهای دراماتیک و تئاتر ما رخ داده است» کارگردان بلغاری در پایان از سطح نازل سؤال‌ها گلّه‌مند بود و از ساده بودن پرسش‌ها اظهار تعجب کرد! اما ویتنامی‌ها که با دستی پر از عروسک‌های آبی از "هانوی" میهمان ایران بودند پس از گروه بلغارستان بر صحنه حضور



سنجد خبر نگار و گزارشگر

گفتگو با خانم نگار استخر

الیه عطاردی

□ کارگردان این برنامه آقای امیر فیضی، کارگردان و تهیه‌کننده برنامه سنجد بودند. که در همان مجموعه آقای محمد اعلمی عروسکی بنام سنجد را البته نه با این شکل و شمایل امروزی، ساختند.

پس از اتمام مجموعه، آقای فیضی تصمیم گرفتند شخصیت سنجد خبرنگار را با انسجام بیشتری طراحی کنند، که به رودررویی عروسک‌گردان و عروسک بیانجامد. طراحی چهره عروسک را بر اساس تجلیل‌های کارگردان خودم نقاشی کردم و خانم مریم لقبامی و آزاده انصاری اولین عروسک سنجد را برآید ساختند، البته سنجد فعلی که دومین عروسک ما است کار آقای محمد اعلمی است.

□ الگوی شما در این کار عروسکی کدام هنرمند ایرانی یا خارجی بوده است؟

□ الگوی من در این کار عروسکی هیچکدام از الگوهای خارجی و یا ایرانی نبوده است و تنها بر اساس یک رابطه بسیار حسی شکل گرفت.

□ می‌دانید، شیوه عروسکی که بدان مشغول

□ مختصری درباره تحصیلات و سوابق کاری و حرفه‌ای خودتان بفرمائید و چند سال است که در تلویزیون به کار عروسکی می‌پردازید؟

□ با وجود اینکه سال ۱۳۶۸ در رشته مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد قبول شده بودم اما علاقه من به تحصیل در یکی از رشته‌های هنری همچنان ادامه داشت، تا سال ۱۳۶۹ که در رشته تئاتر دانشگاه هنر قبول شدم، پس هر دو رشته را ادامه دادم. البته در رشته تئاتر گرایش اصلی من دکور و طراحی صحنه بود و کار عروسکی را هم در حد واحدهای درسی تجربه کرده بودم. در حال حاضر مشغول نوشتن پایان‌نامه فوق‌لیسانس ادبیات نمایشی دانشکده هنرهای زیبا هستم.

اولین کار عروسکی تلویزیونی من در مجموعه‌ای به نام "گل اومد بهار اومد" بود، شخصیت عروسکی کلاغ که خبرنگار بود و بخشی از این مجموعه را به همراهی دو کلاغ دیگر و با نام منطقه خبری کلاغ‌ها اجرا می‌کرد.

□ شخصیت سنجد از کی و چطور متولد شد؟

چون از ذهن خودش حرف می‌زند. و شخصیت عروسک قابل لمس‌تر است اما در عین حال تنظیم صحبت‌ها، رعایت باید و نبایدها، و پیش‌بینی کردن خیلی از مسائل نیز جزو سختی‌های کار است.

□ سنجد تاکنون در چند جشنواره شرکت داشته و در این جشنواره، چه حضوری خواهد داشت؟

□ این جشنواره، سومین جشنواره است. یعنی اولین حضور او در جشنواره

عروسکی سال ۷۴ و دومین، جشنواره فیلم‌های کودک

و نوجوان کرمان بود که در تمام این

جشنواره‌ها به عنوان خبرنگار

و گزارشگر جشنواره عمل

می‌کرد. و در این جشنواره

هم به همان صورت خواهد

بود.

□ چه چیزی سنجد

را از خطر تبدیل شدن

به یک شخصیت

کلیشه‌ای عروسکی، در امان

نگاه خواهد داشت؟

□ سنجد همواره بین بچه‌ها و مردم است، همان‌طور که گفتم شخصیت سنجد با حضورش در مقابل افراد شکل می‌گیرد، در مورد سنجد تنوع این برخوردها، تنوع مکان‌ها و موضوعات تا امروزه البته تا حدودی و نه صد در صد مانع یکنواخت شدن برنامه بوده است. شاید چون سنجد برای بچه‌ها بسیار قابل درک و قابل لمس است و مثل اکثر عروسک‌ها در پشت پرده‌ای از ابهام پنهان نیست.

هستید، قابلیت‌های نمایشی صحنه‌ای فوق‌العاده‌ای نیز دارد، چرا تاکنون برای اجرای صحنه‌ای، به شیوه‌ی کاری امروزتان، اقدام نکرده‌اید؟

□ ممکن است این نوع کار عروسکی قابلیت صحنه‌ای داشته باشد که البته مطمئن نیستم، اما شخصیت سنجد در رویارویی و برخورد با مخاطب خود شکل می‌گیرد. اصولاً سنجد یک

خبرنگار است که در پرسش و پاسخ

بداهه‌گویی خود را نشان

می‌دهد. پس اینکه در

روی صفحه هم بتواند

به این هدف برسد

جای سؤال است.

□ آیا در

اجراهای

تلویزیونی شما

و سنجد،

متن‌های پیش

نوشته‌ای دارید

و یا به طور کلی

بر اساس

بداهه‌پردازی کار

می‌کنید؟

□ چهارچوب کلی کار برای

من روشن می‌شود، اول و انتهای

ماجرا را برایم توضیح می‌دهند اما انتخاب دیالوگ‌ها و چند و چون حرف‌ها بداهه است و بستگی به موقعیت و شرایط دارد.

□ دشواری‌ها و ویژگی‌های کار بداهه‌پردازی با عروسک، در شیوه‌ی نمایش شما، کدامند؟

□ در بداهه‌سازی، امکان بیان درونیات و احساسات بیشتر است و عروسک‌گردان کاملاً با حس و وجود خود به عروسک جان می‌بخشد





برای چیزی مهمتر

شعله پاکروان

کار می‌گوید. قرار است نمایش «برای چیزی مهمتر» در سالن قشقایی اجرا شود. اما دکور ۱۲ پرده دارد که صحنه‌ای عریض و عمیق می‌طلبد. «طرح استاد راهنما ضمن اینکه برای گروههای جوان لازم است، اما استادان راهنما، آنقدر سرشان شلوغ است که وقت ندارند به تک کارها فکر کنند.

مبارک یونینما امسال جلساتی برگزار کرد که خیلی خوب بود. در آن جلسات فرصتی ایجاد شد که به آموزش هم پرداخته شود. فرصتی که قبلاً نبود. اما حالا لازم است به ارتباط با گروههای خارجی هم فکر کنند. در جشنواره‌های قبلی، حتی اجازه صحبتی کوتاه با آنان و یا بررسی نزدیک عروسکهایشان به افراد داخلی داده نشد. اینکه ما بیاییم و هر سال نمایشهای خارجی را ببینیم و برایشان دست بزنیم برای ما کارگشا نیست. شیوه عروسک‌سازی ما چندین سال است هیچ تغییری نکرده. اگر امکان کافی وجود داشته باشد جوانان ایرانی با استعداد سرشار و خلاقیت می‌توانند کارهای بهتر (حتی در مقایسه با خارجی‌ها) روی صحنه ببرند. یونینما می‌تواند یک مرکز اطلاعاتی تشکیل دهد تا به کمک گروهها پردازد.

نویسنده: ترینو پائولو
 مترجم و کارگردان: شیدا صفوی
 موسیقی: پیمان یزدانیان
 طراح عروسک: شیدا صفوی
 ساخت عروسک: رکسانا منوچهری، ملیکا حقانی، مریم میزراآقا، شیدا صفوی
 عروسک‌گردانان: مریم امراللهی، نگین مهدی‌زاده نادری، نیلوفر حقانی، ملیکا حقانی، نیلوفر ایزدی، نسترن ایزدی، رکسانا منوچهری، ویدا امراللهی.
 شیوه: بن‌راکو.

خلاصه داستان: پروانه‌ها پیام آور عشق و زندگی هستند. زندگی گلها با حضور پروانه‌ها، تداوم می‌یابد. کرم ابریشم متولد می‌شود و در چگونگی زندگی، حیران می‌ماند. حرارت او را به سوی جستجو سوق می‌دهد. در گروه کرمها معنای عشق ظاهری را درمی‌یابد. اما او به دنبال حقیقت ناب است....

شیدا صفوی متولد ۱۳۴۸ است. در نمایشهای "نقش دل" و "یک شب میان خواب و بیداری" به کارگردانی فریبا دلیری همکاری کرده است.

او بیش از هر چیز درباره نبودن سالن و اجبار "تمرین در منزل"، نبودن بودجه متناسب با



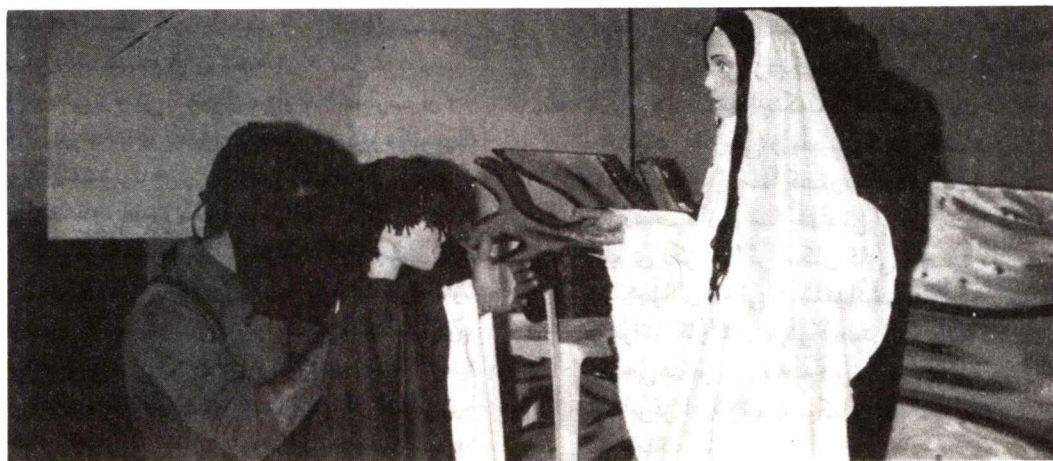
افسانه

منصوره رحیمی - نفیسه نظری - مجید نصیری
 - حسن قاسمی - پریسا شیخ‌القراء - حمید
 کسائی پور - یاسمن یوسفی - سمیه عین‌علی -
 عاطفه کسائی پور - سیمین زمانی - حمید
 نقابی - نوشین بلالی - مهدی شریفی - ملیحه
 شاه‌واری

احمد مایل، متولد ۱۳۳۶ دارای مدرک
 کارشناسی ارشد کارگردانی تئاتر، حدوداً ۱۷
 سال سابقه کار.
 داستان نمایش:

شخصی بریده از زندگی به جنگلی سرد و خلوت
 پناه می‌برد و با دل خود رازگشایی می‌کند و در
 سفری خیالی همچون رویا از دید او افسانه و
 عاشق‌زاده می‌شوند تا از عشقی زمینی به عشق
 آسمانی رجعت نمایند.

کارگردان: احمد مایل
 موسیقی: مهران پورمندان
 طراح و ساخت عروسک: عادل بزدوده -
 زین‌العابدین عطایی
 نوشته: نیما، با نگاهی به افسانه نیما اثر سید
 عطاء... مهاجرانی
 استاد راهنما: بهروز غریب‌پور
 طراح صحنه: فریبرز قربان‌زاده
 مشاور کارگردان: اسدا... زارعی
 دستیار کارگردان: حمید نظری - سبک‌بار -
 مهدی واسقی
 طراح حرکات اسکلت‌ها: محبتا... شرقی
 طراح پروشور: نادر افشاری
 گریم: شهره رضا عتیان
 عروسک‌گردانان: حمید نظری - رویا مرکباتی
 - وحید علی‌دادی - معصومه عسگری -





مبارک و خواستگاری

رشته برق به کار عروسکی ادامه داد.

□ بودجه اختصاص یافته نیز کمکی کرد؟
 □ من حتی یک ریال هم کمک هزینه دریافت نکرده‌ام.

□ درباره جلسات یونیمما و مبارک چه نظری دارید؟

□ من سعی کرده‌ام تا حد امکان در این جلسات شرکت کنم. نمایش فیلم و جلسات می‌توانند در آموزش و وسعت دید خانواده عروسکی مؤثر باشد و همچنین فرصتی است برای آشنایی بیشتر با فرهنگ دیگر کشورها.

□ کمی هم از بازیگری کارتان سخن بگوئید؟
 □ هیأت بازیگری به نکاتی اشاره کردند که در بهبود کارم مؤثر بود. حتی نظر ایشان درباره دکور و صحنه نیز مفید فایده بود.

□ در خیمه شب‌بازی شما از صفر استفاده نشده است و کاراکترها از صدای واقعی بهره می‌گیرند. چه شد که به این شیوه رسیدید؟
 □ در خیمه شب‌بازی سنتی به خاطر استفاده از صفر. کلمات نامفهوم است و مرشد نقش دیپلماج را بازی می‌کند و به همین خاطر ارتباط با مخاطب اندکی دشوار می‌شود و از سوی دیگر بده بستان‌های مرشد و عروسک‌ها در شیوه جدید زیباتر و دلنشین‌تر است به همین دلیل من از صدای واقعی استفاده کردم.



نویسنده و کارگردان و عروسک‌گردان:
 حمیدرضا جلاتیان
 مرشد: مهرداد فارسی - سعید صادقی

خلاصه داستان:

مبارک که شهر را از دست غول نجات داده است برای ازدواج با دختر حاکم اقدام می‌کند. چرا که حاکم وعده داده بود بر اینکه هر که شهر را نجات دهد به همسری دختر او درمی‌آید. اما حاکم امتناع می‌کند ولی سرانجام ...

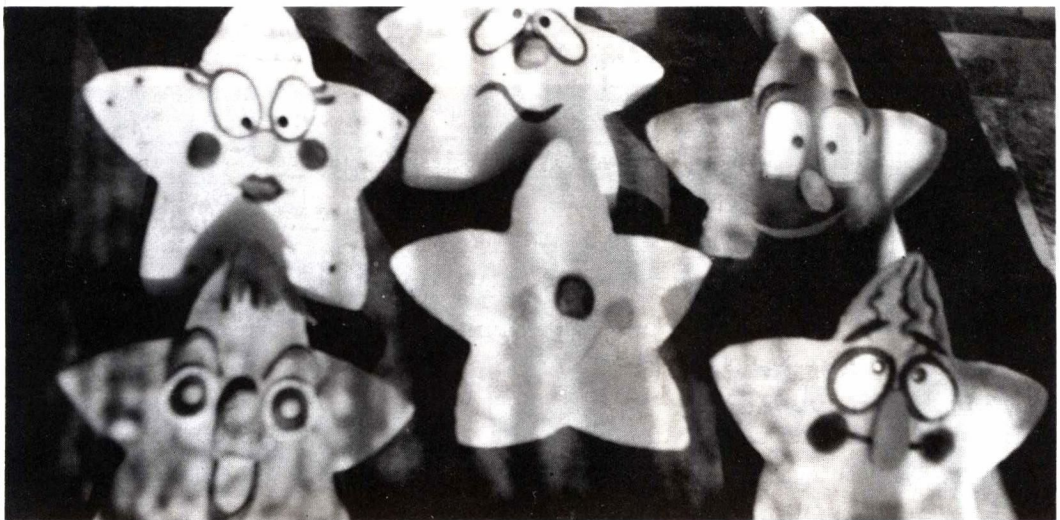
جلالیان فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۵۵ با تئاتر در دبیرستان آغاز کرد که در آن زمان نیز دلبسته نمایش سنتی، به ویژه سیاه‌بازی بود تا سال ۱۳۶۷ همزمان با تحصیلات دانشگاهی در



نمایش رویای شبانه

دخترکی قرن بیستمی، فراری از نظم و قانون، وحشت‌زده از تاریکی و ترسیده از تنهایی، تصمیم می‌گیرد ساعت را از کار ببنداند تا زمان ثابت بماند. خورشید مدافع قانون و انضباط طبیعت در دستان دخترکی کوچک اسیر می‌شود. با تهدید نمی‌تواند خود را آزاد کند. اما حيله‌ای می‌زند. سخن از کودکان می‌گوید که تنها در خانه‌اند و مانند او ترسیده از تنهایی. دخترک می‌پذیرد که خورشید برود و شب، با ماه و ستارگان بیاید. اما شب که در ابتدا ترسناک می‌نمود بازی‌های زیبایی درون خود دارد و قصه‌هایی زیباتر. قصه سایه‌ها، همزاد اشیاء.

نویسنده و کارگردان: شعله پاکروان
 دستیار: مهرداد صباحی
 طراح و سازنده عروسک: حسن طاهری
 موسیقی: مهرداد صباحی
 طراح دکور: حسن طاهری
 عروسک‌گردانان: نگین صادقی‌پور، فاطمه محمدی، عباس بهمنش، عیضا کرمی، مرتضی متقی، غلامرضا درگزی، فروزان دلجوی
 توحیدی،
 بازیگر ریحانه جباری
 شیوه اجرا: بُن‌راکو، سایه
 خلاصه داستان:





تئاتر عروسکی پروانه‌ها (بلژیک)

چون مادر والتین قورباغه او را "شازده کوچولوی من" صدا می‌زند، والتین باورش شده که یک شاهزاده است. او رؤیای شاهزاده خانمی را در سر می‌پروراند که در قلعه‌ای در کوهستان به انتظار او نشسته است. پس والتین با ماشینش به جستجوی شاهزاده خانم می‌رود. پس از بازگشت، والتین از توهم‌هایی یافته اما یک دوست یا یک دوست یا یک شاهزاده خانم پیدا کرده است.

کارگردان: کارل فن رانزیک / سونجا
واندرمالن
طراح: تئاتر عروسکی کوچک / صوفیه
بلغارستان (برنده جایزه جشنواره PIF ۱۹۹۸)
آهنگساز: فیوین استین لاندی
بازیگر: رونی آلبرشت
تکنیک: میله‌ای
زبان نمایش: هلندی
خلاصه نمایش والتین:





یان کلاسن Jan Klaassen

شخصیت معروف تئاتر عروسکی آلمان، او نام خود را از یک ترومپت‌نواز واقعی بنام Jon Klaasson (یان کلاسون) که در نیمه قرن هجدهم زندگی می‌کرد گرفته است، کسی که پس از ترک خدمت نظام از طریق اجرای نمایش‌های خیابانی عروسکی، امرار معاش می‌کرد. نمایش‌های او به قدری معروف شد که شخصیت اصلی کمیک آنها (هانس ورست، یا پولیشینل) به زودی نام عروسک‌گردان یعنی جان کلاسن را به خود گرفت. در آغاز او یک عروسک میله‌ای بود ولی بعدها همراه با تحول کمدی خیابانی تبدیل به عروسک دستکشی شد. او به شیوه نوازندگان ترومپت لباس می‌پوشید: یک ژاکت قرمز با نوارهای طلایی، کلاه منگوله‌دار و یک صندلی چوبی برپاها. هم بازی دائمی او همسرش کاترین Katrin بود. او در نمایش‌های کوتاهی بازی می‌کرد که موضوع آنها، در نزد تمامی قهرمانان و کمدی‌های خیابانی اروپایی معمول بود.



عروسک‌گردانی ژاپنی: بُن راکو و پس از آن

ترجمه: فرشته وزیری نسب

طرفداران ژاپنی «بُن راکو» احساس می‌کنند که این تئاتر آنها را بیشتر از «نو» یا «کابوکی» و دیگر تئاترهای سنتی ژاپن، تحت تأثیر قرار می‌دهد. عبارت «سه برابر کردن شخصیت» که

آینو میچی‌کو
(Ueno Michiko)

بکار برده است شاید بخشی از توضیح این مسئله باشد. هنریک ژوروکوسکی

«بُن راکو» را «تجزیه کردن»
(atomizing)

تئاتر، به عناصر مجزای فیزیکی موسیقایی، منابع تولید نیرو و صدا می‌داند. اما بن راکو با متمرکز کردن نیروی پنج اجرا کننده مختلف در یک شخصیت، «فراشخصیت‌هایی» می‌آفریند که تخیل

هیچ نمایش عروسکی غیر غربی به اندازه بُن راکو چنین اثر عمیقی بر عروسک‌گردانی آمریکا نگذاشته است. اجرا کنندگان آمریکایی کلمه بُن راکو را از بافت سنتی خود بیرون آورده

و بدان معنی جدیدی

بخشیده‌اند:

عروسک‌گردانی با بازی دهندگان قابل رویت.

البته بُن راکو چیزی بیش از

عروسک‌گردانی قابل رویت است.

بُن راکو، در میان همه چیزهای

دیگر، به معنای اختصاص دادن

همه زندگی و عمر خود به تئاتر

عروسکی است، به عنوان خواننده،

بازیگر سامیسن (Samisen) یا

عروسک‌گردان.



تماشاگران را با قدرت بیشتری به نسبت شخصیت‌هایی که فقط یک بازیگر زنده خلق می‌کند تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابر این کلید قدرت بُن‌راکو در «ترکیب» نیروهای «خرد شده» و تمرکز این ترکیب در یک شخصیت است. کارکرد این ترکیب نیاز به سطحی از کار گروهی دارد که گروه‌های چندانی در غرب امید به دستیابی بدان ندارند. اما کوششهایی برای تقلید از حرفه‌ای‌گری و قدرت صحنه‌ای بن‌راکو انجام می‌گیرد که حداقل نتیجه‌اش تأثیر مثبت آن بر تئاتر عروسکی غرب است.

شیوه نانسی ستوب (Nancy Staub) کاربرد عروسک بُن‌راکو همچون یک بازیگر حرفه‌ای غربی است. مقاله اینومیچی کو و خاطرات استاد بُن‌راکو، یوشیدا بونگورو به ما کمک می‌کند که قدرت بُن‌راکو و کارگروهی آن را درک کنیم. آینه نشان می‌دهد چگونه سر عروسک‌ها، لباسشان و الگوی‌های حرکتی آنها، مفاهیم خاصی را به بینندگان بُن‌راکو انتقال می‌دهد. لارنس کومینز چگونگی تغییر رقص کلاسیک ژاپنی به بُن‌راکو را نشان داده است. طراحان رقص تقلید نزدیکی از عروسک‌های بُن‌راکو بکار بردند تا شخصیت‌ها را در شرایط پریشانی و ناامیدی به نمایش بگذارند. امروزه در حالیکه تئاتر عروسکی آمریکا در تلاش است تا خود را به عنوان قالبی مشروع برای بزرگسالان تثبیت کند، یادآوری این نکته مفید خواهد بود که بُن‌راکو بسیار پیچیده‌تر و مشکل‌تر از آن است که بچه‌ها آن را بفهمند و بندرت بچه‌ای در میان تماشاگران بُن‌راکو دیده شده است.

کاتامی ایمی بطور عمده برای بچه‌ها نمایش عروسکی اجرا می‌کند و مقاله او بر واکنش بچه‌ها نسبت به عروسک‌ها متمرکز شده است. او چگونگی شکوفایی تئاتر عروسکی معاصر در ژاپن را توضیح می‌دهد و آینده هنر



خیمه‌شب‌بازی را در ملتی پیش‌بینی می‌کند که دارای یکی از غنی‌ترین و مردمی‌ترین سنت‌های نمایشی است.



صدای عروسک

نوشته: جورج سپایت
ترجمه: فرشته وزیری نسب

حرف می‌زد (مثل مردی که حرکت شیرانه جولیوس سزار و دوک گایز را شرح می‌دهد. که بنا به گفته او - با هم می‌جنگیدند) با آن صدای سوت سوتی فریاد کشید» (Dekker, سال شگفت‌انگیز، ۱۶۰۳)

... مرد توی دودکش قايم شد که لباس بپوشه به عروسکه که نقش ملکه Bess پیر ما روزه این مرده، که وقت بازی عروسک‌ها از تو دماغ اونچه که باید بگن می‌گه (ویلیام داوانانت، The (William Davenant, long vacation) تعطیلات طولانی. حدود ۱۶۴۰)

این عبارات، گرچه تصادفی بیان شده‌اند، قابل توجه تاریخ‌نگاران عروسکی هستند و علاوه بر شواهدی دال بر طرز صحبت عروسک‌گردان، به ما می‌گویند که نوع معمول نمایش عروسکی در دورهٔ جیمز خیمه‌ای همراه با عروسک‌های دستکشی بوده (به شکل دودکش) که خیمه‌شب‌باز یا مفسر، که عمل نمایش را شرح می‌داده، یا به جای عروسک‌ها صحبت می‌کرد، بیرون آن می‌ایستاده است. نکته دیگر اینکه در این نمایش‌ها شخصیت‌های تاریخی مثل «ژولیوس سزار» و «کنت گایز» احتمالاً با چوب و چماق به جان هم می‌افتادند. ورود پانچ که صحنه تئاتر عروسکی را بعد از ۱۶۶۰ قبضه کرد، تنها این قسمت قدیمی انگلیسی، یعنی صدای مصنوعی عروسکی، را قدرت بخشید. در سال ۱۶۷۸، اتوی در

بین جسم عروسک و صدای یک زن یا مرد ناهمگونی ذاتی وجود دارد. تماشاگران ممکن است به راحتی این قرارداد که صدای آدم بزرگی از دهان بی حرکت جسمی بی جان بیرون بیاید قبول نکنند. مؤثرترین اجزای عروسکی یا به شکل میم و بدون کلام نمایش داده می‌شوند یا به شکل اپرا، در حالیکه خوانندگان در جلوی صحنه قابل رویتند و هیچ کوششی برای ارتباط دادن آنها با اعمال عروسک‌ها وجود ندارد. گاهی نیز عمل توسط راوی روایت می‌شود که برخی از آنها، مثل مفسرین نمایش‌های عروسکی دورهٔ الیزابت و جیمز اول در جلوی صحنه دیده می‌شوند. اما اجراهایی مهم است که صحبت کردن عروسک‌ها در آن ضروری به نظر می‌رسد. در این شرایط شواهدی محکم از گذشته وجود دارد که پوشاندن صدای انسان، با دادن خصوصیتی غیر انسانی به آن، مطلوب بوده است.

این رونق در انگلیس، قبل از اینکه پولچینلا (Pulcinella) با لباسهای اروپایی خود از راه برسد، غالب بود. منابعی وجود دارد که نشان می‌دهد عروسک‌گردانهای انگلیسی اوایل قرن هفدهم و احتمالاً قرن شانزدهم هم، از صدایی تو دماغی و زنگ‌دار به جای صدای عروسک‌ها استفاده می‌کردند و با گذاشتن گیره‌ای روی بینی خود این صدا را ایجاد می‌کردند.

قاضی‌ای با دیدن تعدادی لندن‌زی زمان طاعون، «عقب پرید، دماغش را با دو انگشت شست و اشاره گرفت و در حالیکه به همان شکل

در دست نیست که آیا در نمایش‌های ماریونت با نمایش‌های فانوچینی قرن نوزدهم از سوت سوتک برای تغییر صدا استفاده می‌کرده‌اند یا خیر. در ۱۸۱۸، «هزلیت» به جیغ جیغی کردن پانچ اشاره کرده و یک سال قبل از او جی، تی، اسمیت در «وگابوندیا» «حلبی دولایه‌ای» را شرح می‌دهد، که «شبهه ابزار سخنگوی آقای پانچ است، که بین دندانها قرار می‌گیرد» عجیب‌تر اینکه پین کوئیر در مقاله معروف خود که کنده‌کاری‌های کروئیک شانک از «پانچ وجودی» در ۱۸۲۸ را به همراه دارد، صحبتی از چنین ابزاری یا هر چیز مشابه دیگری نمی‌کند. گرچه شکی نمی‌توان داشت که این کار در تمام جهان متداول بود. و لازم نیست که فهرستی از منابع ویکتوریایی در مورد «جیرجیر کردن، قدقد کردن، ورور زدن یا جیغ و ویغ کردن» پانچ آورده شود.

خیمه‌شب‌بازهای حرفه‌ای سوتک (Squeaker) را که در اصطلاح خیمه‌شب‌بازی به آن «باریک کن» یا «سوازل» (Swazzle) می‌گفتند راز بزرگی درحرفه خود می‌دانستند، و حتی امروزه نیز بعضی از آن یک راز می‌سازند. هنری می‌هیو اولین کسی بود که راز ساختن آنها را در ۱۸۱۵ در کتاب «کارگران لندن و فقرای لندن» برملا ساخت اما پانچ‌بازی که با او مصاحبه شده بود جزئیات ساخت ابزار را فاش نکرد. او آنها را «نداها یا زبان‌هایی ناشناخته» خواند «... چون با گذاردن آنها در دهان می‌توان هر کلمه را به وضوح یک کشیش ادا کرد.» مستلماً این در مورد همه نمایش‌های پانچ قبل از آن زمان صادق نبود و در بسیاری از این نمایش‌ها که امروزه به نمایش در می‌آیند نیز تقریباً غیر ممکن است که از آنچه پانچ می‌گوید، به خاطر استفاده نادرست از صفیر، حتی کلمه‌ای هم فهمید.

در دهه ۱۸۶۰ فرانک بلو در «هنر سرگرم

«دوستی و مد» توانست دستور صحنه‌ای بنویسد که «مالاژین با صدای پونچینلا حرف می‌زند» و در ۱۶۹۸، جوزف ادیسون در «ایماگران مکانیکی» شرح می‌دهد که چگونه خیمه‌شب‌باز «با صدای تیزی غیر از صدای خودش کلمات را ادا می‌کرده است».

اشاره به جیغ جیغ عروسک‌ها در سراسر قرن هیجدهم فراوان است؛ و اکنون دیگر می‌توان نمونه‌های مشخص همان ترفند با چوب یا حلبی - سوت سوتک را دید که برای تغییر صدا در دهان می‌گذارند. از این‌گونه منابع فقط چندتایی قابل ذکر است:

در «بازار مکاره ماه می»: «یک نمایش عروسکی، که در آن گفتگوی بی‌معنی‌ای بین پونچینلا و شیطان از طریق سوت سوتکی حلبی به شکل جیغ جیغ نامفهوم به گوش می‌رسید، به نظر عوام قطعه‌ای به زیبایی قطعات احضار روحی می‌آمد که پیش از آن توسط دکتر فاستوس اجرا می‌شده است.» (ندوارد، جاسوس لندن، ۱۶۹۹)

در مقایسه عروسک‌های پاول با اپرای ایتالیایی: «... قهرمانان هر کدام، با صدای جیغ جیغی‌شان، خواهجاند.» (سپکتاتور، شماره ۱۴، ۱۷۱۱)

و در «زیرا عروسک‌های من، که شما صدای جیغ جیغی‌شان را می‌شنوید،

چیزی نیستند جز شیپورهایی چوبی که من در آنها سخن می‌گویم»

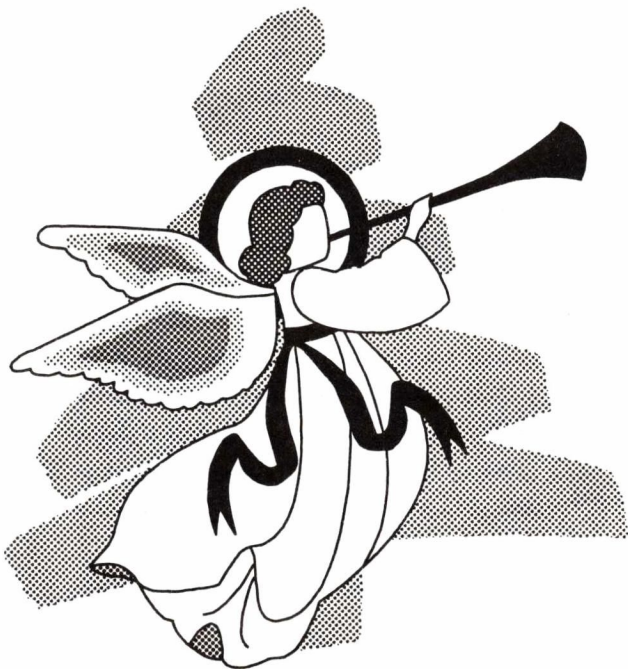
(پس گفتار رابرت پاول در داستان دوم لگن، ۱۷۱۵)

با شروع قرن نوزدهم، نوع قدیمی نمایش عروسکی از بین رفته بود و فقط پانچ بود که در خیمه‌های عروسک‌های دستکشی گوشه‌های خیابان یافت می‌شد. در اینجا، صدای جیغ جیغی که زمانی ظاهراً برای همه عروسک‌ها بکار برده می‌شد فقط برای پانچ بکار می‌رفت. شواهدی

کردن» چگونگی ساختن صفیر از کاج سفید را شرح می‌دهد و جالب است یادآور شویم (سوتک) پاول نیز از چوب ساخته شده بود. اما تقریباً تا همین اواخر طرز ساخت سوتک از حلبی یا نقره در دسترس همه بود. خوب یابد «صفیر» یا «سوازل» دیگر رازی حرفه‌ای نیست.

استفاده از «صدای» عروسک تقریباً در همه جا معمول است. در ایتالیا، فرانچسکو زاوریو کوادریو در (Storia e ragione d'gioni Poesia) (۱۷۴۴) کاری را شرح می‌دهد که دیر زمانی پیش از آن نیز احتمالاً مرسوم بوده است. «آنجایی که در خیمه‌ای از پارچه مخفی می‌شوند ... معمولاً از سوتکی (پیوتایی) که در دهان مخفی کرده‌اند استفاده می‌کنند، تا به وسیله آن صدای خود را بر اساس شخصیت عروسکی که می‌گردانند تنظیم کنند ... در روش دیگر هر عروسک‌گردان جای عروسکی که حرکت می‌دهد صحبت می‌کند و هر کدام سوتکی (پیوتایی) در دهان دارد که می‌تواند بلندتر یا کوتاهتر، بسته‌تر یا بازتر شود و صدای دقیق شخصیتی را که بازی می‌دهند در بیاورد. و این کار چنان ماهرانه انجام می‌گیرد که اگر فانتوچیو خودش صدایی داشت از این طبیعی‌تر نمی‌بود».

در فرانسه این ابزار Sifflet - Partique نامیده می‌شود و در قرن هجدهم چنان مقبولیت جهانی یافته بود که اجازه اجرای خیمه‌شب‌بازی فقط به «شرط اینکه غیر از صدای Sifflet de la Partique از صدایی برای صحبت کردن استفاده نشود» داده می‌شد. در اسپانیا این ابزار Pito نام داشت. در سراسر اروپا هر جا که پسر عموهای پولچینلا پراکنده شده بودند استفاده از Pivetta هم با آنها رایج شده بود. در روسیه، الکساندر بسنوی از یک نمایش پتروشکا در آخرین دهه‌های قرن نوزدهم صحبت می‌کند که در آن به

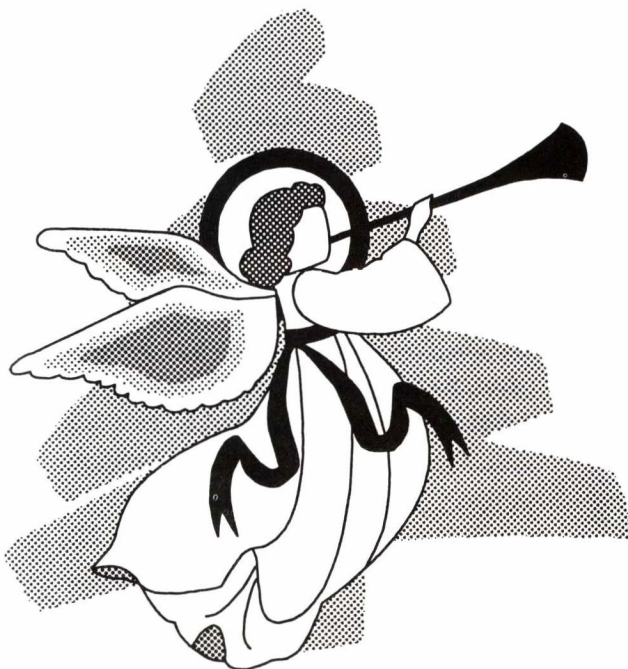


«صدای تو دماغی» پتروشکا اشاره دارد. در هند، عروسک‌های نخ‌سنتی راجستان از داخل «سوتکی نی‌ای» حرف می‌زنند و هیچ تلاشی برای ادای صحیح کلمات انجام نمی‌دهند، آنها فقط جیغ و ویغ می‌کنند. اما جیغ و ویغ آنها بخوبی احساس ترس یا لذت آنها را منتقل می‌کند. این شاید بهترین راه برای مقابله با مشکلی باشد که خیلی از پانچ‌بازان معاصر با اداکردن کلمات در یک سوازل (صفیر) دارند.

چارلز مگنن گفته است که این سوتک‌ها یادگاری باقی مانده از neuropastes یا بوق‌های برنجی است که به نقاب بازیگران، در تئاتر یونان و رم وصل می‌شده است. البته چنین ارتباط فرضی‌ای باید با احتیاط نگریسته شود. اما این تشبیه بهیچ وجه بی‌اساس نیست و ما می‌توانیم در جیغ جیغ ناهمگون پانچ‌ها لحن اصیل کم‌دی باستان را بشنویم.

محتمل‌ترین ریشه از ریشه‌های متعدد نام پونچینلا کلمه ایتالیایی جوجه مرغ است که حاکی از این است که این صدای تیز طبیعی شخصیت «پرسوناژیو» است و این تا حدی اثبات نظریه مگنن است.

امروزه احساس می‌شود که عامه مردم آموخته‌اند که صدای انسان را وسیله‌ای طبیعی برای گفتگوی عروسک‌ها بدانند، واپس‌گرایی شخصیت خواهد بود اگر احياء «سوتک» به شکل فراگیر مطرح شود. اما با وجود این نمایش‌هایی هم هستند که در آن‌ها کاهش عناصر انسانی به حداقل ممکن، مطلوب است. و بدینگونه از قرن‌ها پیشینه عروסקی فوق‌الذکر می‌آموزیم که استفاده از انواع بوق یا جعبه‌های صدا همان لحن «غیر انسانی» را به صدا می‌دهد که برای تبدیل نمایش عروסקی به شکل متفاوتی از نمایش ضروری است.





تئاتر ژاپنی در جهان

ترجمه: مرجان وقوفی

«تئاتر ژاپنی در جهان» اولین نمایشگاهی خواهد بود که در غرب برگزار می‌شود و نشان می‌دهد که چگونه سنت‌های تئاتر ژاپن در قرن اخیر نه تنها در خود ژاپن بلکه در تئاتر سراسر دنیا تأثیر فرهنگی مؤثر و جامعی داشته است.

این نمایشگاه که توسط مؤسسه ژاپن با همکاری موزه تئاتر دانشگاه واسدا Waseda در توکیو برگزار می‌شود درآمد عمده فصل پاییز جامعه ژاپن است و مکان‌های عمومی و موزه‌هایی که به تازگی دایر شده‌اند را مملو از جمعیت خواهد کرد. این نمایش پیشرو به ۹ بخش تاریخی مختلف تقسیم شده است که هر یک دارای یک متصدی غربی و یک متصدی ژاپنی است. پیش از این، متخصصان تنها بر روی یک یا دو مقوله تئاتری مختلف متمرکز می‌شدند، اما نمایشگاه انجمن ژاپن "دنیای کامل تئاتر ژاپن" را همچون طیفی ارائه می‌دهد که هر مقوله آن قویاً تحت تأثیر مقوله پیشین خود قرار دارد.

"تئاتر ژاپنی در جهان" از لباس‌های محلی، ماسک‌ها، عروسک‌ها، آلات موسیقی، شیوه‌های تعویض صحنه، تلویزیون، پوستر، عکس‌های مربوط به فصل خرم و برنامه‌های نمایشی استفاده می‌کند. این نمایش، تاریخ تئاتر سنتی در جهان را از کهن‌ترین شکل آن که ریشه در زمان قبل از بودا در قرن چهارم داشته دنبال کرده و از زمان پیشرفت گونه کلاسیک نمایش‌های Bundraku, Kyogen, noh, bogaku و Koboki گذشته و به آخرین گونه آن در تئاتر پیشرو جدید و معاصر می‌رسد. این قدرت خلاق گذشتگان بر روی نسل حاضر است که امروزه تئاتر ژاپنی را از دیگر تئاترها متمایز ساخته و آن را به یک قدرت فرهنگی مبدل می‌سازد. در دیگر قسمتهای جهان، شیوه‌های تئاتر قدیمی گاه و بیگاه در حال احیاء شدن هستند، اما این شیوه‌ها هرگز در ژاپن از بین نرفته‌اند. در واقع انواع تئاترهای

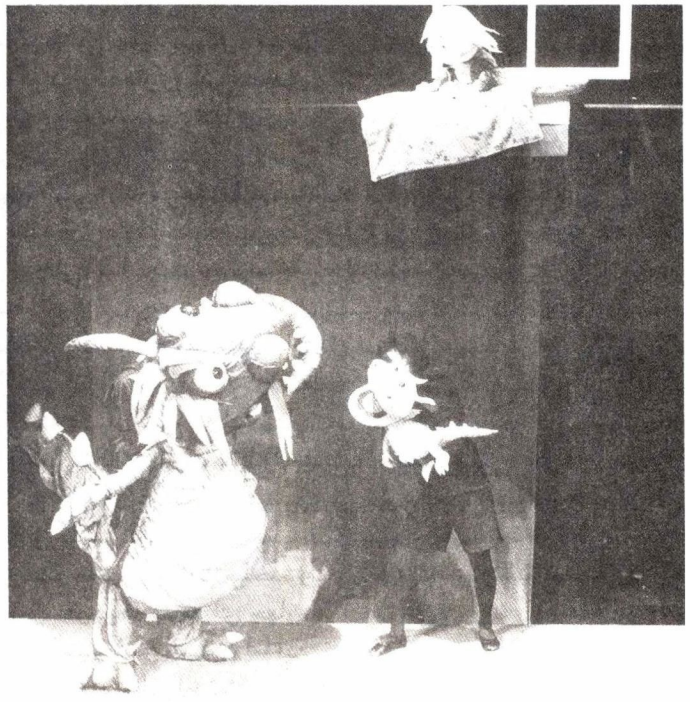
کلاسیک به نمایش درآمده و در نمونه‌های تئاتر معاصر اعمال نفوذ می‌کنند.

برای این نمایشگاه یک کاتالوگ و پژوهشگرانه به زبان انگلیسی تهیه شده است که در طول زمان نمایش در ساختمان انجمن ژاپن به فروش می‌رسد.

این نمایشگاه اتفاق عمده فصل است و شامل ماجراهای تحت سرپرستی "تئاتر ژاپنی در جهان". در این نمایشگاه نمایشهای Kyogen, bonraku, noh، تئاتر معاصر و butoh به صورت زنده به اجرا در خواهند آمد.

این نمایشگاه شامل یک سری فیلم با مضمونهای مربوط به تئاتر، نشستی دوستانه و چند سخنرانی و تمام ابعاد مختلف قابل بررسی این میراث تئاتری غنی است.

طرح "تئاتر ژاپنی در دنیا" پیشرفتی جدید در برنامه کار انجمن ژاپن بوده و هر قسمت از این انجمن مضمون اصلی را در سراسر فصل نمایش می‌دهد.





دسته گلی برای شهر بادکنک‌ها

صمد چینی فروشان

ما شرکت گروه نمایشگران "شهر بادکنک‌ها" از قائم شهر را در هفتمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران شادباش می‌گوئیم و توجه محبت‌آمیز و روحیه‌بخش مسئولین استان مازندران و شهرستان قائم شهر را ارج می‌نهمیم و آن را به مثابه الگو و نمونه‌ای قابل تقدیر از توجه مسئولان و متولیان فرهنگی تئاتر شهرستان، در حافظه تاریخ تئاتر عروسکی کشورمان ثبت می‌کنیم.

در ششمین روز برگزاری هفتمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی آقایان جاویدانی، معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران، قربانی معاون امور کتابخانه‌ها، کهنسال ریاست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی قائم شهر، با حضور در جمع تماشاگران نمایش "شهر بادکنک‌ها" در فرهنگسرای شفق و اهدای دسته گلی زیبا، کارگردان و گروه نمایش شهر بادکنک‌ها را مورد تقدیر قرار دادند.

یادداشتی بر نمایش رؤیای شبانه

امیرمنصور امیراحمدی

با روح کودکان، صحنه‌پردازی‌های زیبا و استفاده تلفیقی از نمایش سایه‌ای به همراه عروسک‌گردانی ساده و روان، آن چنان در دل مخاطب خود می‌نشیند که پس از پایان نمایش کودکان به سختی سالن را ترک می‌کنند و بزرگسالان نیز خواستار اجرای دوباره اثر می‌شوند.

در پایان موجب دریغ خواهد بود اگر از بازی روان و معصومانه بازیگر خردسال نمایش یاد نکنم. بازیگری که مسلماً آینده‌ای درخشان دارد.

یکی از بهترین شیوه‌ها برای آموزش کودکان، کاربرد روش‌های آموزش غیر مستقیم است و این یکی از اهداف پنهان نمایش عروسکی است. نمایش «رؤیای شبانه» با مدنظر قرار دادن این مهم به یاری کودکان و والدین می‌آید تا آنها را با مفهوم ترس از تاریکی، شب و تنهایی آشنا کند و راه‌های مقابله با آن را معرفی کند. به نحوی که مخاطب در فرآیندی خودآگاه یاد می‌گیرد چگونه با امکاناتی ساده مشکلات بزرگ خود را برطرف نماید. نمایش با استفاده از اشعاری دلنشین و مناسب



گفتگو با آقای حسن طاهری زاده

کارگردان نمایش «رویای دست‌ها»

فرح یگانه و کیومرث مرادی

ساده‌ای است که با دست انجام می‌شود و سایه آن بر پرده شکل می‌گیرد.

□ یعنی شما صرفاً با دست کار می‌کنید؟

□ بله، فقط با دست و نه هیچ چیز اضافه دیگر.

□ درباره چگونگی

ابداع این شیوه نمایش

صحبت کنید.

□ ۲۰ سال قبل از

انقلاب بود که کار

نمایش را آغاز کردم،

اما بعد از انقلاب

پرکارتر شدم و با

تمرین و ممارست

بالاخره توانستم این

نوع نمایش را خلق

کنم. این کار تلفیقی از

موسیقی، افکت و

تقلید صداست، همه

اصوات را نیز خودم به

وجود می‌آورم، مثلاً

اگر سایه در نمایش آواز می‌خواند، من خودم

آواز را می‌خوانم.

□ تا به حال سفر خارج هم داشته‌اید؟

□ بعد از جشنواره دوره قبل به کشورهای

پاکستان، بلغارستان، ترکیه، یونان و به زودی نیز

قرار است در آمریکا اجرایی داشته باشیم.

□ من حسن طاهری زاده هستم از اصفهان. از آنجا که قرار است به همراه ریاست جمهوری به آمریکا بروم و نمایش را در آنجا اجرا نمایم، خوشحال هستم که قبل از سفر فرصتی پیش آمد

تا در جشنواره

بین‌المللی نمایش

عروسکی تهران کارم

را عرضه کنم.

□ چطور شد که شما

برای اجرای نمایش

در آمریکا انتخاب

شدید؟

□ در جشنواره قبلی

برای اولین بار این

نوع کار را عرضه

کردم که از کارهای

برتر جشنواره شد،

بنابر این از من دعوت

شد در این سفر به

همراه ریاست

جمهوری به آمریکا بروم، تا نمایش را آنجا نیز

اجرا کنم. در واقع من ابداع‌گرایین سبک و

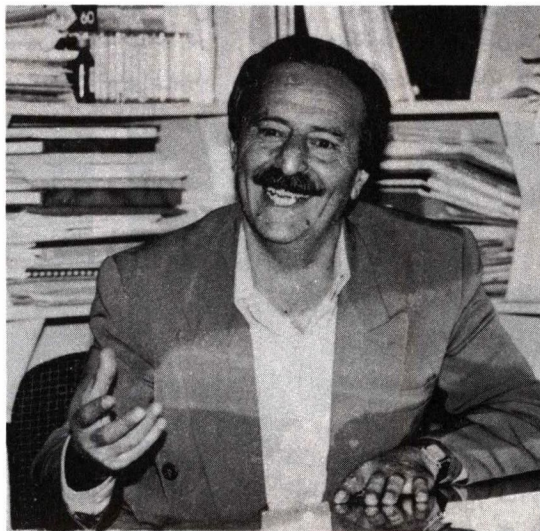
تکنیک نمایش سایه‌ای در ایران هستم.

□ شما نام این نوع کار را «سایه دست بازی»

گذاشته‌اید، چرا؟

□ این کار یک نمایش «سایه‌ای» است، می‌شود

هر اسمی برایش گذاشت ولی کلاً نمایش



Theatre Directorship and has work experience for 17 years.

A man who has renounced life, takes shelter in a cold lonely forest. He dreams of two characters called Afsaneh and Ashegh (Lover) in a journey. Along the way the two find divine love through earthly one.

□ The Voice of the Marionette

The voice of a man or a woman seems to be inappropriate for the little body of a marionette. Thus from ancient times, there existed a tradition for the puppeteer to change his/her voice to suit the puppet. The author discusses the historical evidences and the process of change in the voice of puppets from the ancient Greek nasal distortions to the modern squeakers or swazzles.

□ Japanese Theatre in the World

"Japanese Theatre in the World" will be the first exhibition held in the West and will show how the traditions of the Japanese Theatre have had effective cultural influences not only in Japan but also all over the world.

It will be held by Japan's Institute and the cooperation of the Theatre Museum of Waseda University in Tokyo.

The exhibition will employ folklore costumes, masks, puppets, musical instruments, scenery changing methods, TV., posters, and dramatic programs. The show will follow the history of the traditional theatre from its earliest times; i.e, fourth century before Buddha, through the improving process of classical styles of No, Kyogen, Bunderaku, Bogaku and Koboki to the latest styles of contemporary theatre.



□ Japanese Puppeteering: Bunderaco and the Followings



Bunderaco has influenced American puppeteering more than any other Oriental puppet theatre. Using three puppeteers and two other artists for a single puppet provides the style with astonishing characteristics and supernatural powers. Many Western artists have successfully tried to use Bunderaco's methods and characteristics for Western puppet plays. Yet, Bunderaco is a sophisticated form of art developed for adults and, therefore, too difficult to be understood by children.

□ The butterflies

Directed by: Karl Von Ranzyk/Sonja Vandermalen

**Technique : Rod puppet
1998 PIF Festival Award**

Valentine is a frog. Because his mother calls him "My Prince", he believes in it. He dreams of a princess who awaits him in a fortress in the mountains. Therefore, Valentine goes in his car to search for her. When he returns he has got ridden of his illusions while has found a friend or a princess.

□ Jan Klaassen

He is the famous German puppet theatre character. His name has been taken from a real 18th century trumpet player who after leaving the army earned his living by performing street puppet shows. This trumpet player became so famous that his comic puppets; that is, Hans Wurst and Poliszynel, gradually changed their names into his own name.



مترجمین: سهیل خداپرستی - فرح یگانه

**English Translators: Soheil Khodaparasti
and Farah Yeganeh**

☐ **Mobarak and the Proposal**

Written and directed by: Hamid-Reza Jalayian

The governor has promised that anyone who saves the city from the attacks of the ghoul will marry his daughter. It is Mobarak who saves the city. The governor denies what he has promised but at last...

☐ **Negar Estakhr (Sendjed)**

Estakhr who is a B.A. in English Translation and also Theatre is now working on her M.A. thesis in dramatic literature. She says: Sendjed is quite original and not an imitation either of Iranian or of foreign puppets. Sendjed's character forms in confrontation with the person with whom he talks. Originally, he is a reporter who shows out his improvisations in questions and answers.

☐ **The Night Dream**

Written and directed by: Sh. Pakravan

A 20th century girl, evading law and discipline, frightened by darkness and loneliness, decides to stop the passage of

time. The sun, the defender of nature's order, becomes ensnared in the hands of the little girl. The sun cannot free himself but plays a trick on her. He speaks of the children who are alone at home and frightened by loneliness. The little girl lets the sun leave and the moon and stars come back at night. But night, that appears fearful at first, has more interesting and beautiful tales: the tales of the shadows and the double of objects.

☐ **For Something More Significant**

Written by: Terion Paolo

Translated and directed by: Shida Safavi

The butterflies are emblematic of life and love. The continuity of the flowers' lives are indebted to the butterflies. The silkworm is born but is baffled as to the nature of life. Heat leads him to search. Among the worms, he finds the superficial meaning of love but he is in search of pure truth...

S. Safavi was born in 1969. She contributed to the production of "The Heart Image" and "A Night of Sleep and Wakefulness" directed by F. Daliri.

☐ **Afsaneh**

Written by: Nima Yooshidj

Directed by: Ahmad Mayel

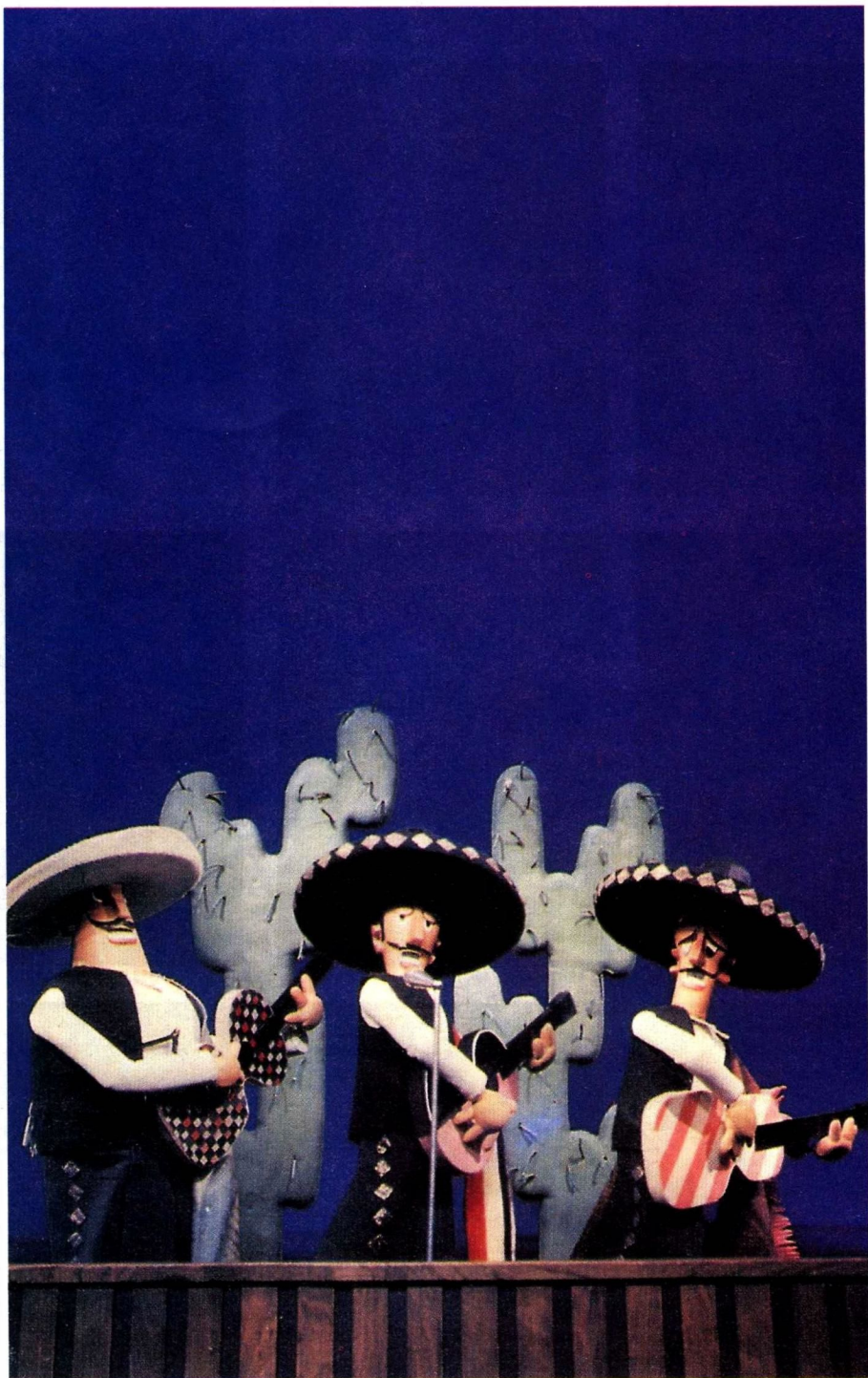
puppet designer and constructor: Adel Bezdoodeh



Ahmad Mayel, born in 1957, has an M.A. in

گشتی در موزه «ابراتسوف»





موزه ابراتسلف (روسیه)
موزه ابراتسلف (روسیه)

موزه ابراتسلف (روسیه)

موزه ابراتسلف